

اسلام

و

فاسفه تشریح قوانین کیفری

در شماره پیش یاد آور شدیم که علیرغم پیشگیریهای لازم جهت عدم وقوع جرم ، بشهادت تاریخ و بدلیل طبع سرکش انسان ، بازنده ای مرزهای قانون را شکسته و مرتکب اعمال خلاف میشوند و در این صورت وضع و تشریح قوانین کیفری بصورت يك امر ضروری و حیاتی جلب نظر میکند .

و بدینجهت آئین پاک اسلام برای مبارزه با جرم و جنایت و فساد تنهابه ذکر کیفرها و عقوبتهای آخرت اکتفا نموده بلکه با وضع و اجراء قوانین مبسوط و مدونی تحت عنوان «حدود و تعزیرات» ، مجرمین را که در اثر ضعف ایمان و یا غفلت از مکافات و کیفرهای اخروی ، از حدود قوانین تجاوز میکنند و به کارهای ناروا و خلافی دست میزنند ، مجازات نموده تا هم خود آنها منتهب گردند و هم خطر سرایت «ارتکاب جرم» همانند یک بیماری مسری ، اجتماعی را از پای در نیآورد .

و این خود یکی از مظاهر جاویدان و حیاتی بودن این آئین آسمانی است زیرا دینی که در متن زندگی انسانها و در تمام شئون حیاتی آنها نظر دارد و میخواهد جامعه بشری را روی روال و نظم ویژه خود رهنمون باشد ، هیچگاه نمی تواند خود را از تشریح قوانین کیفری بر کنار نماید و برای جلوگیری از شیوع گناه تنهابه عقوبتهای روز ستاخیز اکتفا کند .

چون همه میدانیم که انسان به مقتضای طبیعتی که دارد معمولاً تحت تأثیر شهوات و امیال نفسانی خود بوده و تنها عده ای هستند که درسایه ایمان و عقیده محکم به مبدء و معاد ، تمام

مقررات را محترم شمرده و ماورای مرزهای دین گامی نمی‌نهند و در مرزهای ممنوعه قدم نمی‌گذارند و ، همه شئون زندگی خود را بر مقیاس قوانین شرع می‌سنجند و بدیهی است ایمان این‌عده که در هر زمان تعداد آنها فوق‌العاده اندک می‌باشد نمی‌تواند ما را از معالجه اکثریتی که گرفتار شهوات و غرائز خود هستند باز دارد . از همین جا فلسفه تشریح قوانین کیفری در اسلام روشن می‌گردد که چرا اسلام با وجود پیشگیری‌های لازم برای جلوگیری از وقوع جرم ، بمنظور صیانت جامعه از شیوع فساد و قلع و قمع جرائم و جرم‌های جرم ، مجازاتی را بر اساس دو نوع نصی و تقویضی ، که اصطلاح دیگری برای «حد» و «تغزیر» (۱) می‌باشد ، مقرر داشته است . . .

* * *

قبل از آنکه به بحث پیرامون قوانین کیفری اسلام بپردازیم ، لازم است یادآور شویم که وضع و اجراء مجازاتها اولین راه و درعین حال تنه‌راه زدودن صفحه اجتماع از زنگار شوم جرائم نیست بلکه اسلام قوانین کیفری را بعنوان آخرین سلاح آنها با عادلانه‌ترین روش بکار برده و پیشگیری جرم را از راههای ترغیب به کار و کوشش ، ایجاد عدالت اجتماعی ، مبارزه با بیکاری و .. و ... در درجه اول اهمیت قرار داده است :

با در نظر داشتن این حقیقت که بیکاری یکی از عوامل مهم خشونتها و عصیانها و فسادها و جرم‌هاست ، اسلام کار کردن را بهمه پیروان خود توصیه نموده و آنرا بعنوان يك امر ضروری و حیاتی بر همگان لازم و واجب دانسته است . اسلام ، مسلمانان را به تجارت و صنعت و زراعت تشویق نموده ، و از بیکاری و مهمل‌گذاوردن خودشده‌ای نهی فرموده است . از نظر اسلام يك فرد مسلمان باید بسهم خود يك عضو فعال و پریرکت و باثمری برای جامعه خود باشد .

و از طرفی حکومت اسلامی موظف است از راه توزیع عادلانه ثروت معاش همگان را تأمین نموده و برای هر يك از افراد شغلی متناسب تهیه کند و در صورت نبودن شغل و کار ، معاش آنها را از بیت‌المال بپردازد تا بدینوسیله همه موجبات و علل اقتصادی ارتکاب جرم از میان برود

و دیگر آنکه ، اسلام برای انسانها بجز زندگی مادی ، حیاتی معنوی و شرافتمندانه ارائه می‌دهد که با توجه بان میتوانند حقوق فردی و اجتماعی خود را استیفاء کنند . از مظاهر چنین زندگی معنوی و انسانی است : عدالت با دقیقترین مراتب آن - سفارش به خوبیها و نهی از بدیها ، کفالت مؤنه فقرا و درماندگان که کاری نمی‌یابند و یا استطاعت و نیروی کاری ندارند .

(۱) در بحثهای آینده تعریف «حد و تغزیر» و فرقی میان آنها را بیان می‌کنیم .

بدون تردید هنگامیکه معنویت اساس زندگی انسانها قرار گیرد ، حقوق و عدالت در زیبا ترین قالب و صورت خود جلوه میکند و در اینصورت حتی مجال فکردر باره جرم و جنایت از افراد گرفته خواهد شد و دیگر مفهومی برای خشونتها و قانون شکنیها و انقلابات ناشی از فقر و بیکاری و انتقام و امثال آن باقی نخواهد ماند .

نکته دیگری را که در این بحث نباید از نظر دور داشت این است :

همانطور که قوانین کیفری را نمی توان بدون در نظر گرفتن همه جوانب آن در نظر گرفت همچنین نمیتوانیم مجموعه این قسمت از قوانین اسلام را بدون توجه بسایر جوانب این آئین مقدس مورد مطالعه قرار دهیم بلکه باید بعنوان جزئی از مجموع قوانین اسلامی که تنها قسمتی از حیات انسانی را تنظیم میکند مورد بررسی قرار گیرد .

بنابراین مسلم است که اجراء حدود اسلامی در اجتماعی بطور کامل ثمر بخش است که سایر قوانین و مقررات این شریعت نیز اجرا گردد و در غیر اینصورت مراعات قوانین کیفری اسلام در یک اجتماع غیر اسلامی ممکن است نتیجه کامل و ایده آل را نبخشد !

شاهد این سخن روایتی است که علامه مجلسی در جلد دوازدهم بحار الانوار نقل کرده و آن روایت این است که محمد بن سنان میگوید : هنگامیکه مأمون در دار الخلافه جلوس کرده و امام هشتم علی بن موسی الرضا (ع) را در سمت راست خود قرار داده بود ، بوی خبردادند مردی که در لباس زهد بود ، دست بدزدی زده ، خلیفه به احضار او فرمان داد و چون او را آوردند ، مأمون گفت : اف بر این آثار زیبا و بر این کار زشت ! آیا با چنین آثار زیبا و ظاهر خوبی که از تو می بینم تو را بدزدی متهم میکنند ؟ !

او گفت : اینکار اختیاری نبوده و من از روی اضطرار دست بدزدی گشودم ! و هنگامی مرتکب این عمل شدم که تو حق مرا از خمس و غنائم دزدیدی !

مأمون بر آشفت و گفت :

تو در خمس و غنائم چه حقی داری ؟

مرد گفت :

خدای بزرگ خمس را به شش قسمت تقسیم کرد و فرمود :

واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسہ وللرسول ولذی القربی والیتامی والمساکین

و ابن السبیل (۱) .

(۱) و بدانید آنچه را از هر چیز بهره گرفتید یک پنجم آن از آن خدا و از آن رسول و ذی

القربی و یتیمان و در ماندگان و راه گذران محتاج است (انفال - ۴۲)

و نیز غنیمت را به شش قسمت تقسیم کرد و فرمود :

ما افاض الله على رسوله من اهل القرى فله وللرسول ولذی القربی والیتامی والمساکین

و این السبیل کی لایکون دولة بین الاغنیاء منکم . . . (۱)

سپس گفت : تو مرا که در راه سفر مانده ام و بینوا و تهی دستم و از جمله حافظان قرآنم

از حقم محروم ساخته ای !

مأمون گفت : گمان داری که من حدی از حدود خدا را باین افسانه های تو ترک کنم؟

مرد جواب داد : نخست خود را پاکیزه کن و سپس به تطهیر دیگران بپرداز . در این-

هنگام حضرت رضا علیه السلام رو بمأمون کرد و فرمود : مقصود این مرد آنست که چون تو

دزدی کرده ای او نیز دزدی کرده !

مأمون از این سخن بر آشفت و به مرد سارق گفت . بخدا قسم دست تو را خواهم برید !

او گفت : شخص پلید نمی تواند پلیدی چون خود را پاک سازد و کسیکه خود سزاوار

حد باشد حق ندارد برد دیگری اجرای حد کند مگر آنکه اول از خود شروع کند ، مگر

کلام خدا را در قرآن کریم نشنیده ای که فرمود : ان اعمرون الناس بالبیر و تنسون انفسکم و

انتم تتلون الکتاب افلا تعقلون (۲) .

از روایت مزبور دو مطلب زیر را میتوان استنباط نمود :

۱ - اسلام در مرحله اول کوشش خود را مصروف میدارد که اجتماع از اسباب و موجبات

ارتکاب گناه مصون و پیراسته باشد .

۲ - قوانین کیفری این شریعت آنگاه عادلانه اجرا خواهد شد که همه مقررات آن

مو بموجرا باشد و در حقیقت اسلام بر همه شئون مردم حکومت کند .

(۱) غنیمتی که خدا از اهل قریه ها به پیغمبر خود بخشید برای خدا و پیغمبر او و ذوی

القربی و یتیمان و ینوایان و درمندان گان در سرفراست ، برای آنکه ثروت در تیول و حوزه

توانگران شما بگردش نباشد . (حشر - ۷)

(۲) آیامردم را به نیکی فرمان میدهید و خود را فراموش می کنید و حال آنکه کتاب

خدا را تلاوت می کنید ، آیا در این باره تعقل نمی کنید . (بقره - ۴۴)

بیسو ادها و بسو ادها

اگر تعرف سواد را امکان خواندن مسائل ساده و سهل ، بدانیم آنگاه

بتقریب میتوان گفت که ۵۵ درصد از مردم روی زمین ، بیسواد هستند

بنابراین ، آمار بیسوادان کره زمین متجاوز از ۱۴۰ میلیون نفر است .

قاره سیاه آفریقا کوردیده وادی رادرسراسر جهان ، شکسته است

زیرا ۱۸۰ میلیون نفر بیسواد دارد ، یعنی ۸۰ درصد از سکنه